

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تداخل مسببات

بعد از اتمام بحث اصالة عدم تداخل الاسباب، نوبت مي رسد به بحث مسببات، که شاید به یک معنا اثر عملي این بحث در فقه بیشتر از بحث تداخل اسباب باشد. اجمالاً روشن شد که بحث تداخل و عدم تداخل در مسببات بعد از فراغ از این است که بین اسباب متعدد تداخلي وجود ندارد، و هر سببي یک مسبب مستقل و تأثیر جداگانه‌اي لازم دارد. حال، بحث این است که آیا در مقام امتثال، مي توانیم مسببات متعدد را به فعل واحد امتثال کنیم؟ اگر در مقام امتثال از مسببات متعدد به فعل واحد امتثال شود، تداخل در مسببات نام دارد. در باب تداخل اسباب به این نتیجه رسیدیم که تکالیف هرچند به حسب ظاهر متعدد است، اما واقعاً یکی است؛ لکن در تداخل مسببات فرض این است که تکالیف متعدد است، منتهی مي خواهیم ببینیم آیا می شود که این تکالیف متعدده را در مقام امتثال، با فعل واحد انجام داد یا نه؟

صور مختلف بحث

قبلاً عرض کردیم که در کلمات مرحوم آخوند خراساني قدس سره بحث تداخل اسباب و تداخل مسببات مخلوط شده است. از مجموع کلام مرحوم نائینی قدس سره نیز استفاده مي شود که در تداخل در مسببات، باید در دو صورت بحث کنیم؛ اما اگر خواهیم بحث را به صورت جامع مطرح کنیم، مسأله چهار صورت دارد.

صورت اول: این است که این دو تکلیف از نظر طبیعت و ماهیت، ذاتاً واحدند؛ به عنوان مثال، دو تا تکلیف متعلق به وضو داریم، یا چهار تکلیف متعلق به غسل داریم، مثلاً کسی هم جنب شده، هم مسح میت انجام داده و هم اسباب دیگری برای غسل انجام داده است؛ نتیجتاً تکالیف متعدده وجوب غسل بر ذمه اوست؛ و غسل ماهیتاً، طبیعتاً و ذاتاً یکی است. این یک فرض.

صورت دوم: این است که تکالیف ذاتاً متغایر هستند؛ مثل آن که مولا بگوید: «أکرم هاشمياً وأضف عالماً»، یک تکلیف اکرام سید هاشمی است و تکلیف دوم ضیافت کردن عالم است. حال، یک نفر پیدا شد که هم عالم بود و هم سید هاشمی، اگر انسان او را مهمان و اکرام کند، آیا امتثال این دو تکلیف با یک فعل واحد و امتثال واحد محقق مي شود یا نه؟

صورت سوم: آن که تکالیف ذاتاً یکی هستند، اما قیودشان مقداري اختلاف دارد؛ مثل آن که مولا می گوید: «أکرم عالماً وأکرم هاشمياً»، که متعلق هر دو وجوب اکرام است، منتهی یکی قید عالم دارد و دیگری قید هاشمی.

صورت چهارم: جایی است که در هر تکلیفی جزء یا شرطی وجود دارد که مغایر با تکلیف دیگر است؛ مثال خیلی روشن و ثمره دارش، آن است که نافله مغرب چهار رکعت است (دو تا دو رکعت)، یک نماز غفيله هم داریم که دو رکعت است؛ آیا می شود که کسی دو رکعت نافله اول را بخواند و دو رکعت نافله دوم را هم به عنوان نافله قرار دهد و هم به عنوان نماز غفيله؟ نماز نافله و نماز غفيله هر دو نماز هستند و طبیعت و ذاتشان یکی است؛ اما در نماز غفيله اجزاء و اذکاری وجود دارد که در نماز نافله وجود ندارد. در اینجا اگر کسی قائل به تداخل در مسببات شد، می گوید: دو رکعت دوم هم به عنوان نماز نافله واقع می شود و هم به عنوان نماز غفيله؛ اما اگر گفت که تداخل در مسببات واقع نمی شود، باید دو رکعت نافله دوم را بخواند و بعد اگر خواست، دو رکعت نماز غفيله را هم بخواند.

بررسی صور چهارگانه بحث

در باب تداخل در مسببات، باید این چهار صورت را بررسی کنیم. اما صورت اول که دو تکلیف به طبیعتی متعلق شده که ذاتاً یکی هستند و از نظر قیود، اجزاء و شرایط هم بینشان هیچ فرقی نیست، اصلاً از محل بحث خارج است. اگر کسی گفت ده حدث موجب یک تکلیف و حکم شده، اساساً از محل بحث خارج است.

بیان مرحوم نائینی: مرحوم محقق نائینی در جلد دوم «أجود التقریرات» صفحه 272 می فرماید: چون واجبات متعدده بر ذمه انسان است، اگر با یک فعل واحد بخواهیم آنها را انجام دهیم، شک می کنیم که آیا همه این واجبات متعدده از ذمه ما ساقط شد یا نه؟ مثلاً مفروض این است که غسل جنابت، غسل مسح میت و غسل جمعه به واسطه نذر بر ذمه شخص آمده است، اگر این شخص غسل واحد انجام داد، آیا کافی است یا نه؟

مرحوم نائینی می فرماید: اصل در اینجا عدم سقوط بقیه است؛ بله، اگر در مواردی دلیل داشته باشیم — همانگونه که ایشان می فرمایند در باب غسل و وضو دلیل داریم؛ دلیل می گوید اگر کسی یک غسل جنابت انجام داد، از بقیه اغسال کفایت می کند هرچند نیت بقیه اغسال را هم نداشته باشد. و یا در باب وضو دلیل داریم که اگر کسی وضوی واحد انجام داد، کفایت می کند و نیازی به وضوی متعدد ندارد. — این کفایت می کند؛ اما در مواردی که دلیل نداریم، اصل، عدم تداخل در مسببات است؛ به دلیل این که شک می کنیم ذمه ما از تکالیف متعدده ساقط شده است یا نه؟ و اصل، عدم سقوط است.

نظر مرحوم نائینی در مسأله اختلاف نیت وضو

مرحوم نائینی در مسأله وضو که فرمودند برای تداخل دلیل داریم، می فرماید: اگر متوضی رفع جمیع احداث را نیت کند، کفایت می کند و دلیل می گوید با این وضو، جمیع الاحداث رفع می شود؛ اما اگر متوضی بگوید من با این وضو رفع حدث بولی و عدم رفع حدث نومی را نیت می کنم، در اینجا دو تا نیت دارد یکی اثباتی و دیگری نفیی. اینجا باید چه گفت؟ می فرماید: در چنین وضویی دو احتمال وجود دارد.

یک احتمال این است که قائل شویم این وضو صحیح است. چراکه نیت العدم او لغو است و خود وضو قهراً مستلزم رفع جمیع احداث است؛ شارع وضو را به گونه ای قرار داده که اگر کسی وضو گرفت، تمام احداث رفع می شود. لذا، قائل می شویم به این که این وضو صحیح است. **احتمال دوم** این است که بگوییم این وضو باطل است؛ چه آن که سر از وضوی بدون نیت درمی آورد. برای این که این دو نیت با هم متنافی اند؛ و امکان اجتماع این دو در زمان واحد نیست. یعنی کسی که نیت رفع حدث بولی می کند، باید نیت رفع بقیه احداث هم داشته باشد؛ و نیت عدم رفع حدث نومی، ملازم است با عدم رفع بقیه احداث؛ پس،

این دو نیت با یکدیگر تنافی دارند و در نتیجه، نیت، فاسده می‌شود و لذا، وضو باطل است.

اشکال احتمال دوم

اشکال واضحی به مرحوم نائینی وارد است و آن این که اصلاً در باب وضو، نیت رفع الحدث لازم نیست؛ بلکه در وضو صرف قصد طهارت و قصد قربت کفایت می‌کند و وضو صحیح است. بنابراین، چون نیت رفع الحدث لازم نیست، نیت عدمش نیز مضر نخواهد بود؛ و وجود چنین قصدی کالعدم است و به صحت وضو هیچ ضرری وارد نمی‌کند.

اشکال اصل کلام مرحوم نائینی

نکته اصلی در بیان مرحوم نائینی برای اصاله عدم تداخل الاسباب، این است که بیان ایشان فقط ممهّز در یک اصل عملی است؛ یعنی کسی که تکالیف متعدده بر ذمه او واقع شده، اگر یک فعل واحد انجام داد، می‌گوییم شک می‌کنیم که آیا ذمه از بقیه تکالیف ساقط می‌شود یا نه؟ اصل، عدم سقوط است. ایشان فقط یک اصل عملی را در اینجا آورده‌اند، در حالی که ما می‌خواهیم ببینیم قبل از این اصل عملی، خود ظهور تکلیف «فاغتسل» یا «فتوضأ» چه اقتضایی دارد؟

هنگامی که خوب دقت کنیم، درست است که غسل یک ماهیت واحده دارد و به حسب ظاهر این تکلیف، به ماهیت واحده تعلق پیدا کرده است، اما می‌گوییم چون اجتماع مثلین محال است، به ناچار باید بگوییم: در هر تکلیفی، تکلیف به فردی تعلق پیدا کرده که غیر از فردی است که موجب امتثال تکلیف دیگر شده؛ یعنی «فاغتسل» اول به یک فردی مانند غسل جنابت تعلق دارد که غیر از فردی است که موجب امتثال «فاغتسل» دوم (مثلاً غسل مس میت) است.

به عبارت دیگر، اگر یک فرد از غسل را در عالم خارج انجام دادید، نمی‌توانیم بگوییم این فرد، هم فرد برای تکلیف اول است و هم فرد برای تکلیف دوم؛ چرا که اجتماع مثلین لازم می‌آید. برای اینکه اجتماع مثلین لازم نیاید، باید بگوییم: این فردی که با آن فاعتسل اول را انجام داده‌اید، غیر از فردی است که با آن فاعتسل دوم را باید انجام دهید. بنابراین، بهترین بیانی که می‌توانیم برای عدم تداخل ذکر کنیم، این بیان است؛ و دیگر نیازی نیست به اینکه اول سراغ اصل عملی برویم.

البته نمی‌خواهیم اصل عملی را انکار کنیم، ولی یک مرحله قبل از اصل عملی می‌گوییم: دو تا تکلیف ذاتاً و ماهیتاً واحد است و اگر با یک فعل واحد بخواهیم عمل را انجام دهیم، لازمه‌اش تعلق اجتماع مثلین در فرد واحد می‌شود که محال است. صورت اول بحث روشن شد، اما از آنجا که این ایام مصادف با شهادت امام صادق علیه السلام است، بحث صورت دوم، سوم و چهارم را انشاءالله روز سه‌شنبه خدمت آقایان عرض می‌کنیم. روز دوشنبه که روز شهادت امام صادق علیه السلام است و تعطیل رسمی، در مورد روز یکشنبه نیز بزرگان حوزه و مراجع عظام تقریباً اکثر مراجع – این طور که به ما خبر دادند – بنایشان بر این است که یکشنبه را هم تعطیل کنند به عنوان تجلیل از امام صادق علیه السلام. والسلام.